

بیانات در محفل انس با قرآن - 31 / تیر / 1391

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای متعال را از اعماق دل و همه‌ی زوایای جان سپاسگزاریم که توفیق انس با قرآن و لذت از تلاوت قرآن را به ما، به ملت ما، به مردم ما عنایت کرده است. یقیناً هر یک از این جلساتی که برای قرآن و تلاوت قرآن تشکیل میشود و عندلیبان قرآنی در آن نغمه‌سرائی میکنند، تأثیر بسزائی در تعمیق ایمان و عشق و محبت ما به قرآن دارد؛ و همه چیز در گرو همین است. اگر ملتی عقیده‌ی به حق را، عقیده‌ی به قرآن و معارف اسلامی را همراه کرد با محبت، رنگ و بوی لطیف گل محبت است که میتواند اعتقادات عمیق را در عرصه‌ی زندگی انسان بارور کند. اگر این عقاید، این پایبندی‌های عقلانی، با محبت و با عواطف عجین و همراه شد، آن وقت عرصه، عرصه‌ی عمل قرآنی خواهد شد؛ توفیقات، روزافزون خواهد شد؛ پی‌درپی خواهد شد؛ ما دنبال این هستیم. اگر این محافل قرآنی بتواند دل‌های ما را فراتر از جنبه‌ی عقلانی، از جنبه‌ی عاطفی و علقه‌ی عشق و محبت، به قرآن نزدیک کند، مشکلاتی که بر سر راه جامعه‌ی اسلامی است، برطرف خواهد شد؛ این اعتقاد ماست.

البته ما به احساسات و عواطف تنها مطلقاً اکتفاء نمیکنیم، اما این را لازم میدانیم. و خوشبختانه در جامعه‌ی ما، در معارف اسلامی‌ای که ما از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) یاد گرفتیم، این معنا وجود دارد؛ عقل و عاطفه، هر دو همراه یکدیگر.

خوشبختانه کشور ما، ملت ما، جوانان ما، در مرحله‌ی انس با قرآن، امتحان خوبی دارند میدهند. این آشنائی‌ها و خبرویته‌ها و آگاهی‌ها و قرآن‌فهمی‌ها که انسان کاملاً در این جلسات و در این تلاوته‌ها می‌بیند، و آنچه که خارج از این جلسه هم میشنویم یا می‌بینیم، اینها خیلی تفاوت دارد با آنچه که در سالهای قبل، در اوائل انقلاب، در این کشور وجود داشت. بحمدالله جوانان ما، نوجوانان ما، مردان ما، زنان ما در انس با قرآن پیشرفت کردند؛ این خیلی مؤده‌ی بزرگی است؛ ما یک روزی از اینها محروم بودیم.

وقتی انس با قرآن پیدا شد، مجال تدبیر و تأمل و تفکر در معارف قرآن به دست خواهد آمد. قرآن را نمیشود سرسری خواند و گذشت؛ قرآن احتیاج دارد به تدبیر، تکیه‌ی بر روی هر کلمه‌ای از کلمات و هر ترکیبی از ترکیبهای کلامی و لفظی. انسان هرچه بیشتر تدبیر کند، تأمل کند، انس بیشتری پیدا کند، بهره‌ی بیشتری خواهد برد؛ قرآن اینجور است.

مشکلات هر جامعه‌ای با قرآن حل خواهد شد. با معارف قرآنی، مشکلات حل میشود. قرآن راه حل معضلات زندگی بشر را به فرزندان آدم هدیه میکند؛ این وعده‌ی قرآنی است و تجربه‌ی دوران اسلام هم این را نشان داده. هرچه ما به قرآن نزدیکتر شویم، هرچه عمل قرآنی در میان ما - چه در روح ما، چه در اعمال جسمانی ما، چه در فرد ما، چه در اجتماع ما - بیشتر شود، به سعادت، به حل مشکلات و معضلات نزدیکتر میشویم.

عزت در سایه‌ی قرآن است، رفاه در سایه‌ی قرآن است، پیشرفت مادی و معنوی در سایه‌ی قرآن است، اخلاق نیک در سایه‌ی قرآن است، سلطه و غلبه‌ی بر دشمنان در سایه‌ی قرآن است. ما ملت‌های مسلمان اگر این حقایق را بدرستی درک کنیم و در راه رسیدن به این هدفها تلاش کنیم، یقیناً بهره‌های زیادی خواهیم برد.

امروز ملت‌های مسلمان درگیر مشکلات فراوانی هستند از ناحیه‌ی تسلط کسانی که نگاهشان به آفرینش، نگاه مادی است؛ نگاه سودجویانه است؛ نگاه پست یک انسانی است که از معنویت بوئی نبرده. امروز تمدنی که امکانات نظامی را در اختیار مستکبران قرار داده، مبتنی بر نگاه مادی به عالم آفرینش است. همین نگاه مادی است که دنیا را بدبخت کرده؛ خود آنها را هم بدبخت کرده. وقتی نگاه، نگاه مادی بود، سودپرستانه بود، دور از معنویت بود، دور از اخلاق انسانی بود، نتیجه این میشود که قدرت نظامی و قدرت سیاسی و قدرت اطلاعاتی در راه به زنجیر کشیدن ملت‌ها به کار میرود. تمدن غرب در این چند قرن اخیر که به اوج رسیده، هیچ هنری غیر از این نداشته است؛ بشریت را استثمار کردند، ملت‌ها را به زنجیر کشیدند، از علمشان استفاده کردند برای نابودی تمدن‌های ملت‌های دیگر و غلبه‌ی بر آنها، بر فرهنگ آنها، بر اقتصاد آنها.

اگر شما اوضاع و احوال قرن هجدهم و قرن نوزدهم و قرن بیستم میلادی را مطالعه کرده باشید - همانی که خود غربی‌ها تدوین کردند و گفتند، نه آنچه که مخالفان آنها و دشمنان آنها تدوین کردند - می‌بینید که اینها چه کردند در شرق آسیا، در هند، در چین، در آفریقا، در آمریکا؛ چه بلائی بر سر بشریت آوردند؛ چه جهنمی برای ملت‌ها و انسانها به وجود آوردند و آنها را سوزاندند؛ فقط برای بهره‌کشی، برای استثمار. در علم پیشرفت کردند، در فناوری پیشرفت کردند، صنعت خودشان را به اوج رساندند، اما این را در خدمت بدبخت کردن ملت‌ها به کار بردند؛ چرا؟ چون آن تمدن پایه‌ی معنوی نداشت، معنویت در آن نبود. وقتی معنویت نبود، اخلاق هم نخواهد بود. ادعای آنها نسبت به اخلاق، ادعای دروغین است؛ هیچ واقعیتی ندارد. بله، در فیلم‌های سینمایی، در تلاش هالیوودی، اخلاق هست، صبر هست، عقل هست؛ اما در واقعیت زندگی، این حرف‌ها وجود ندارد. وقتی دوری از معنویت شد، این میشود.

همین امروز شما ملاحظه کنید؛ در يك كشوری در شرق آسیا - در میانمار - هزاران انسان مسلمان دارند کشته میشوند، دارند فدا میشوند، بر اثر تعصب، بر اثر جهالت - اگر نگوئیم دستهای سیاسی در خود همین مسئله وجود دارد؛ فرض کنیم همان طور که ادعا میشود، بر اثر تعصبات دینی و مذهبی است - مدعیان دروغین حقوق بشر لب تر نمیکنند. همانهایی که برای حیوانات دل میسوزانند، همانهایی که اگر در جوامعی که مستقل از آنها هستند، وابسته‌ی به آنها نیستند، کوچکترین بهانه‌ای پیدا کنند، صد برابر آن را بزرگ میکنند، اینجا در مقابل کشتار يك عده انسان بی‌گناه، بی‌دفاع، زن، مرد، کودک، سکوت میکنند؛ توجیه هم میکنند! این، حقوق بشر اینهاست؛ حقوق بشر منقطع از اخلاق، منقطع از معنویت، منقطع از خدا. میگویند اینها میانماری نیستند؛ خب، گیرم نباشند - البته دروغ میگویند، سیصد چهارصد سال است که اینها در آنجا زندگی میکنند؛ آنطور که به ما گزارش میشود - باید کشته شوند؟! همین حالت در طول سالهای متمادی در همان کشور و در کشورهای مجاور، از سوی غربی‌ها، بخصوص از سوی انگلیس، نسبت به همان مردم وجود داشته. پدر این مردم را درآوردند؛ هر جا پا گذاشتند، جز فساد و نابودی حرث و نسل - همان طور که خدای متعال در قرآن میفرماید - کاری نکردند. بله، برای اینکه بازار محصولات پیدا کنند، بازارهایی را آراسته کردند؛ مردم را با محصولات جدید آشنا کردند، برای اینکه تجارت خودشان را رونق بدهند. این تمدن، منقطع از معنویت و قرآن است.

داعیه‌ی ما ایجاد تمدنی است متکی به معنویت، متکی به خدا، متکی به وحی الهی، متکی به تعلیم الهی، متکی به هدایت الهی. امروز اگر يك چنین تمدنی را ملت‌های اسلامی - که بحمدالله بسیاری از ملت‌های اسلامی بیدار شده‌اند و به پا خاسته‌اند - بتوانند پایه‌گذاری کنند، بشر سعادت‌مند خواهد شد. داعیه‌ی جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی این است؛ ما دنبال يك چنین تمدنی هستیم. این را شما جوانهای عزیز به خاطر بسپارید، این را شاخص و معیار قرار بدهید.

عمل خودمان را باید قرآنی کنیم، الهی کنیم. به گفتن نیست، به زبان نیست، به ادعا کردن نیست؛ باید در عمل، در این راه حرکت کنیم و قدم برداریم. با قرآن که انس میگیرید، قرآن را که تلاوت میکنید، هر جایی دستوری است، هدایتی است، نصیحتی است، در درجه‌ی اول سعی کنید آن را در وجود خودتان، در باطن خودتان، در دل خودتان پایدار کنید و آن را به عمل خودتان نزدیک کنید. هر کدام از ما اگر در عمل این را متعهد شدیم، جامعه پیش خواهد رفت، جامعه قرآنی خواهد شد.

بحمدالله در جامعه‌ی ما، در کشور ما، نهضت انس با قرآن، نهضت خوبی شده است. این مسئله‌ی حفظ قرآن که ما قبلاً سفارش کردیم، بحمدالله دارد در میان جوانهای ما انتشار پیدا میکند؛ باید هم انتشار پیدا کند؛ باید هم با قرآن آشنا شویم، مأنوس شویم. وقتی قرآن را حفظ کردید، میتوانید معانی قرآن را درست بفهمید؛ انسان وقتی معنای قرآن را فهمید، میتواند در آن تدبر کند؛ وقتی تدبر کرد، میتواند به معارف عالی دست پیدا کند و رشد پیدا کند. انسان با انس با قرآن، در درون رشد پیدا میکند.

پروردگارا ! به محمد و آل محمد، ما را از قرآن جدا مکن. پروردگارا ! جامعه‌ی ما را جامعه‌ی قرآنی قرار بده ؛ زندگی ما را با قرآن، و مرگ ما را در راه قرآن قرار بده. پروردگارا ! به محمد و آل محمد، قرآن را در قیامت شفیع ما قرار بده. پروردگارا ! دست ما را از قرآن و از اهل بیت - که دو ثقل بزرگی هستند که پیغمبر در میان ما باقی گذاشته است - کوتاه مفرما. پروردگارا ! قرآن را از ما راضی کن ؛ اهل بیت پیغمبر و ولی عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی بفرما. پروردگارا ! ما را در انجام وظائفمان موفق بگردان. در این ماه مبارک رمضان، در این روزهای بابرکت و شبهای بابرکت، توفیق بندگی و تضرع و خشوع و قرب به خود را به ما عنایت بفرما.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته